

---

## هم‌گرایی مسلمانان در باورداشت مهدویت

---

حسین الهی نژاد\*

\*. محقق و پژوهشگر مباحث مهدویت

### چکیده

با نگرش عقلی، فطری و تاریخی، بشر برای پیشبرد زندگی و رسیدن به هدف‌های اجتماعی، به تشکیل جامعه نیاز دارد؛ یعنی طبق داده‌های عقلی، فطری و تاریخی، زندگی بشر بدون تشکیل جامعه، سامان نمی‌یابد. از جمله عواملی که در ساماندهی جامعه به سوی مقصود و هدف، تأثیرگذار می‌باشد، مقوله اتحاد و همبستگی است؛ چنان که در این زمینه از امیرمؤمنان، علی علیه السلام چنین نقل شده است: امت‌های پیشین مادامی که با هم ید واحد بودند، همواره در حال پیشرفت و شکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلاقیت و وراثت زمین نایل گشته، رهبر و زمامدار جهانیان بودند و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادیگری روی آورده، دچار خود برترینی و تعصبات قومی و فرقه‌ای و تشمت و پراکندگی شدند و با هم به نبرد پرداختند، خداوند لباس کرامت و عزت و خلاقیت را از نشان بیرون آورد و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب نموده و به ذلت و استعمار مبتلا کرده است.<sup>۱</sup>

پس جایگاه اتحاد و همبستگی در جهت‌دهی جامعه به سوی پیشرفت و تعالی، جایگاه مهم و خطیری است. هرچه اتحاد میان

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵.

مردم بیشتر باشد، حرکت مردم به سوی جامعه مطلوب سرعت بیشتری می‌یابد. اتحاد، در بسترها و زمینه‌های گوناگونی قابل توجه است؛ زیرا گاهی براساس باورها شکل می‌گیرد و گاهی بر ملیت و نژاد قابل پی‌گیری است و زمانی وطن و جغرافیا این نقش را ایفا کرده و مردم را به سوی اتحاد و همدلی حرکت می‌دهند. پس اتحاد دارای بسترهای مختلفی است که با رویکردهای اعتقادی، اجتماعی، نژادی، جغرافیایی و... توجه می‌شود. باورداشت مهدویت که مورد قبول همه گروه‌های اسلامی بوده و از باورهای اصیل و مهم آن‌ها به شمار می‌آید، سوژه مناسب و مهمی برای ایجاد اتحاد میان مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد. کلید واژه‌ها: هم‌گرایی، اتحاد و همبستگی، باورداشت مهدویت، باور مندان به مهدویت.

#### مقدمه

از دیرباز، موضوع وحدت اسلامی، گفتمان رایج میان مسلمانان بوده است. رهبران دین در گروه‌های اسلامی، با عنایت به اهمیت وحدت، علاوه بر توصیه‌های گفتاری، در عمل نیز بدان ملتزم بوده‌اند. کتاب‌های حدیثی و تاریخی که سرشار از احادیث و جملات وحدت بخش است، از اهتمام پیشوایان دینی به مسأله اتحاد و همدلی میان مسلمانان حکایت دارد. در این زمینه رسول خدا ﷺ فرموده است: بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد؛ کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود، خیر ندارد.<sup>۱</sup>

اصلاً پیشرفت و ترقی جامعه، در گرو اتحاد و وحدت است. هر جامعه‌ای که به سوی تکامل و ترقی حرکت می‌کند، به یقین، مردم آن جامعه، در امور اجتماعی،

۱. «خیر المومنین من كان مالقة للمؤمنين و لا خیر فیمن لا یؤلف ولا یألف»؛ مجلسی رحمته الله علیه، بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۳؛ محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۹۴.

یکدل و یکرنگ هستند؛ پس ترقی منهای اتحاد معنا ندارد و اتحاد نیز ثمره‌ای جز پیشرفت ندارد.

از آن‌جا که دین اسلام، در جایگاه آخرین دین آسمانی دو شاخصه جامعیت و کمال را همراه دارد، لازم است به همه سطوح زندگی بشر - اعم از فردی و اجتماعی - نظر داشته، برای رشد و تعالی انسان‌ها برنامه و راهکارهای مناسب ارائه بدهد، از طرفی همیشه بهترین و کاملترین برنامه، برنامه‌ای است که فایده‌اش بیشتر باشد و افراد بیشتری از آن سود ببرند. بر همین اساس است که اسلام، مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده، در دوران امر میان منفعت اجتماعی و منفعت شخصی، حق را به منفعت اجتماعی می‌دهد. نیز از آن‌جا که غالب تعالیم روح بخش اسلامی، به نحوی با اجتماع و جامعه مسلمانان گره خورده است اسلام به اجتماع و جامعه اسلامی اهتمام ویژه ورزیده، برای حفظ آن از تدوین هیچ قانونی فروگذار نکرده است.

ارتباط میان اجتماع و اتحاد، ارتباطی وثیق و ناگسستنی است. بر همگان روشن است که اجتماع منهای اتحاد، یعنی افتراق و جدایی؛ پس نمی‌توان حرف از اجتماع و جامعه زد و اتحاد را همراه آن ندید. بر این اساس، می‌توان سیاست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در ایجاد وحدت و برادری میان اصحاب خود، توجیه کرد:

به خاطر خدا پیمان اخوت ببندید و دو به دو با هم برادر باشید.<sup>۱</sup>

نیز آن حضرت، برای حفظ جماعت مسلمانان فرمودند:

هر کس از صف جماعت مسلمانان رویگردان شود، عدالت او نابود می‌شود.<sup>۲</sup>

جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان سیره و روش ایشان را ادامه دادند و در این راه از

۱. «تأخوا فی الله اخوین اخوین»: ابن هشام حمیری، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. «من رغب عن جماعة المسلمين، سقطت عدالته»: حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴.

هیچ کوششی - اعم از گفتاری و عملی - فروگذار نکرده‌اند. چنانچه امام صادق علیه السلام در کیفیت معاشرت با اهل سنت می‌فرماید:

با آن‌ها نماز گزار؛ زیرا هر کس در نماز جماعت آنان شرکت کند، مانند این است که با شمشیر برهنه در جهاد فی سبیل الله شرکت کرده است.<sup>۱</sup>

باز آن حضرت فرموده است:

هر کس با آنان [اهل سنت] در صف اول، نماز جماعت بخواند، مثل کسی است که با رسول خدا در صف اول، نماز جماعت خوانده است.<sup>۲</sup>

پس، از منظر اسلام و پیشوایان دینی، اتحاد و هم‌گرایی مسلمانان، دارای جایگاه والا و مهمی است و لازم است همه مسلمانان در این امر شرکت کنند تا اتحاد و وحدت در جامعه اسلامی حکم فرما شود.

البته مقصود از وحدت، وحدت شیوه‌های فقهی و اجتهادی نیست؛ کما این که مقصود از آن، برتر قرار دادن مذهبی بر مذهب دیگر یا ادغام مذاهب در یکدیگر و قرار دادن آن‌ها به صورت یک مذهب یا تأسیس مذهب جدید نیست؛ بلکه مقصود از میان ابعاد وحدت، تنها در دو بعد وحدت است: یکی بعد سیاسی و اجتماعی و دیگری بعد علمی و فرهنگی. مقصود از بعد اول این است که همه مسلمین، هر کجای دنیا زندگی می‌کنند و دارای هر زبان و رنگ و از هر قوم و نژاد که هستند، به اسم مصلحت عالیة اسلامی در صف واحد برابر دشمنان اسلام قرار گیرند؛ پس غرض این نیست که سنی، شیعه شود یا شیعه، سنی گردد. البته بر سنی است که مسلمان باشد قبل از آن که سنی باشد، و بر شیعه است که مسلمان باشد، قبل از آن که شیعه باشد. مقصود از بعد دوم وحدت یعنی بعد علمی و فرهنگی، همان تقریب بین

۱. «صل معهم، فأن المصلی معهم فی الصف الاول، کالشاهر لسیفه فی سبیل الله»: شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲. البحرانی، *حدائق الناصرة*، ج ۱۱، ص ۷۱.

مذاهب اسلامی است. تحقیق این پدیده منوط است به اجتماع اندیشمندان و فقهای بزرگ مذاهب که آگاه به آرا و نظرات همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل اختلافات نظری در جوی سالم و آرام، صمیمی و به دور از تعصب، برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد علمی و کلامی.... و نشر نتیجه بحث‌ها و مناظره‌ها برای پیروان مذاهب.<sup>۱</sup>

پس علاوه بر اتحاد در ابعاد سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی که ثمره آن، تحقق همبستگی و همدلی میان مسلمانان است، اتحاد در بعد اعتقادی و کلامی نیز نقش مؤثری در وحدت بخشی جامعه اسلامی دارد. در این بخش از اتحاد، آموزه‌های اعتقادی که مورد قبول همه باورمندان اسلامی است، محور گفت‌وگو میان اندیشوران و عموم مردم قرار می‌گیرد. از جمله آن باورها، مهدویت است. در موضوع مهدویت و مفاهیم هم سو با آن، نظیر انتظار، ظهور، حکومت جهانی، گسترش عدالت و... هر کدام، عاملی برای وحدت بخشی میان باورمندان به مهدویت است. بر این اساس، نگارنده ابتدا به اتحاد و ابعاد، مراتب، مؤلفه‌های آن و نیز راهکارهای اتحاد آور پرداخته و در بخش دوم، به مهدویت و مفاهیم همسو که نقشی بی‌بدیل و تاثیرگذار در اتحاد بخشی جامعه دارند، مبادرت ورزیده است.

### ۱. نظریه ابن خلدون و هم‌گرایی

قبل از ورود به بحث، لازم است نظریه ابن خلدون که مدعی است «اندیشه مهدویت با نظریه هم‌گرایی ناهمخوان است» مورد کنکاش و امعان نظر قرار گیرد. ابن خلدون در کتاب خود فصلی را تحت عنوان «فاطمی منتظر» ارائه کرده و نظریه خود را درباره مهدویت مطرح کرده و گفته است:

بدان که مشهور میان تمام اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده است که می‌باید در آخر الزمان مردی از اهل بیت علیهم‌السلام ظهور کند که دین را یاری

۱ محمد ابراهیم جناتی، همبستگی در ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۵۰۱.

کرده، عدل را ظاهر نماید... در این باره به احادیثی احتجاج می‌شود که پیشوایان گفته‌اند؛ اما منکران نیز در این باره سخن رانده‌اند و چه بسا با اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

پرسش‌ها و اشکالاتی که در کلام ابن خلدون مطرح شده است، به طور کلی در دو قسم قابل پی‌گیری می‌باشد:

۱. ضعف روایات مهدوی و عدم شایستگی برای این که مبنای اعتقادات مسلمانان قرار گیرد؛

۲. ناهمخوانی باور به مهدی منتظر با نظریه‌ای که ابن خلدون برای چگونگی پیدایش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد که بر عصبیت و هم‌گرایی استوار است.

اما در قسمت نخست اشکال، ابن خلدون بعد از طرح مطالبی درباره‌ی مهدویت، به اسناد روایات مهدویت که تعداد آن‌ها را بیست و سه تا بر شمرده است می‌پردازد و بر اساس قاعده تقدم جرح بر تعدیل، همه آن‌ها را به جز چهار روایت، رد می‌کند.

برای پاسخ دادن به اشکال اول مواردی چند قابل ذکر است:

**عملکرد دوگانه:** ظاهراً ابن خلدون برای تحقیق و بررسی اخبار و شناخت روایات صحیح و ضعیف، از آگاهی کافی برخوردار نیست؛ زیرا به قواعد رجالی‌ای که فقیهان و محدثان به کار می‌گیرند، توجه ندارد؛ از این رو وی، درباره‌ی روایات به شیوه‌ای قضاوت کرده است که پیش‌تر، هیچ‌یک از پژوهشگران محدث، آن را انجام نداده‌اند. گذشته از این که راه‌های شناخته‌شده و ضوابطی که مورخان رعایت کرده‌اند (و ابن خلدون هم از آنان به شمار می‌آید) را در نظر نگرفته است. خود به فراگیر بودن قاعده تقدم جرح بر تعدیل در اسناد روایات که برای پیرایش و تنقیح روایات گفته است، ملتزم نیست. روشن‌ترین دلیل آن است که او برای اثبات نظریه

۱. ابن خلدون، تاریخ العبر، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۲۴۵.

«نیاز حکومت به هم‌گرایی عصبیت» خود روایت «ما بعث الله نبیا الا فی منعة من قومه» را صحیح می‌داند در حالی که بنابر قاعده خود ساخته ابن خلدون، روایت فوق ضعیف می‌باشد و باید رد شود.

**عدم ذکر تمام احادیث:** پس از بیان اخبار مهدویت، ابن خلدون خواننده را به این اشتباه می‌اندازد که آنچه آورده، تمام یا بیشتر روایاتی است که محدثان گفته‌اند. وی می‌گوید: «همه احادیث را در حد توان گردآوری کردیم».<sup>۱</sup>

اما وی جز بیست و هشت طریق، برای بیست و سه حدیث نیاورده است. همچنین روایاتی که در کتاب‌های مورد تاکید ابن خلدون آمده است و در آن‌ها از نام مهدی یا از عصر ظهور سخن گفته شده، بیش از پانصد روایت با سندهای گوناگون است. **وجود روایات صحیح:** ابن خلدون در پایان ذکر اخبار، اعتراف می‌کند که بنابر مبنای خودش، برخی روایات، صحیح است:

این روایات - چنان که دیدیم - خالی از نقد نیست، مگر شمار اندکی.<sup>۲</sup> حتی با در نظر گرفتن قاعده‌ای که وی برای صحت احادیث بر آن اعتماد دارد - یعنی تقدم جرح بر تعديل - همین تعداد سندهای صحیح کافی است، تا این اخبار را از شمار آحاد بیرون آورده، آن‌ها را به حد تواتر برساند.<sup>۳</sup> دو ایراد به کلام ابن خلدون:

#### الف. ایراد نقضی

قاعده‌ای که وی برای پژوهش و ارزیابی حدیث بدان معتقد است و جرح را بر تعديل مقدم می‌داند، به رد بسیاری از احادیث صحیح مسلم و بخاری خواهد انجامید؛ اما ابن خلدون این کار را خوش ندارد؛ از این رو کوشیده است این چالش

۱. همان، ص ۲۴۶.

۲. همان.

۳. تامل هاشم العمیدی، دفاع عن الکافی، ج ۹، ص ۲۳.



را چنین حل کند که بگوید:

روایات هر دو صحیح (صحیح مسلم و صحیح بخاری)، اجماعی بوده، همین برای جبران ضعف سند برای احادیث بخاری و مسلم کافی است.<sup>۱</sup>

#### ب. ایراد مبنایی

اگر مقصود وی آن است که هر چه اجماع مسلمانان باشد، مصون از اشتباه است، این امر به طور گسترده در باور مهدویت - به طور ویژه در برخی روایات مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه - وجود دارد؛ زیرا بسیاری از بزرگان و علمای اسلامی متواتر بودن اخبار مهدی را ادعا کرده‌اند. حتی برخی ادعا دارند تمام مسلمانان معتقدند این باور، از اجماع برخوردار است. شاید آنچه ابن خلدون در آغاز سخنش درباره مهدی فاطمی می‌گوید (مشهور میان تمام اهل اسلام در طی اعصار گذشته...) اشاره به این اجماع باشد. بنابراین هیچ تفاوتی میان اخبار صحیح بخاری و مسلم با اخبار مهدی عجل الله تعالی فرجه از جهت اجماع وجود ندارد؛ اما اگر مقصود ابن خلدون این باشد که باور به مهدی و احادیثی که در این باره است از اجماع برخوردار نمی‌باشند، گفته می‌شود سخنان وی برخلاف سخنان عالمانی است که در این باره مطلب نوشته‌اند. اینان از کسانی که درباره اندیشه مهدویت ادعای اجماع کرده‌اند یا کسانی که مدعی‌اند احادیث مهدویت متواتر است نام برده‌اند. در این باره نزدیک به سی تن از عالمان متخصص را می‌توان نام برد.<sup>۲</sup>

نظریه شیخ عبدالحق در *لمعات*، صبان در *اسعاف الراغبین*<sup>۳</sup>، شبلنجی در *نور الابصار*<sup>۴</sup>،

۱. ابن خلدون، *مقدمه ابن خلدون*، ص ۲۴۵.

۲. محمد احمد اسماعیل المقدم، *المهدی و فقه اشراط الساعة*، ص ۱۳۰.

۳. محمد صبان، *اسعاف الراغبین*، ص ۱۴۰.

۴. سید مؤمن شبلنجی، *نور الابصار*، ص ۱۵۵.

ابن حجر در *صواعق*<sup>۱</sup>، زینی دحلان در *فتوحات الاسلامیه*<sup>۲</sup>، برزنجی در *اشاعة*<sup>۳</sup>، سویدی در *سبائک الذهب*<sup>۴</sup>، منصور علی ناصف در *غایة المامول*<sup>۵</sup>، حافظ در *فتح الباری*<sup>۶</sup>، کنجی شافعی در *البیان*<sup>۷</sup> و... از اهتمام اعتقاد به مهدویت و متواتر بودن آن نزد اهل سنت حکایت دارد.

بی شک بر حدیث شناسان روشن است وقتی در موضوعی ادعای تواتر می شود، دیگر لازم نیست به بحث سندی و رجالی آن موضوع پرداخته شود؛ از این رو وقتی درباره احادیث مهدویت از طرف علمای اهل سنت و شیعه ادعای تواتر شود، یقین آور بودن مهدویت به اثبات رسیده است و دیگر لازم نیست احادیث اثباتگر مهدویت را از لحاظ سندی مورد خدشه قرار دهیم.

اما اشکال دوم ابن خلدون (عدم هم خوانی اندیشه مهدویت با نظریه هم گرایی) و پاسخ آن

ابن خلدون، نظریه هم گرایی را پایه و اساس شکل گیری حکومت ها و تداوم آن ها می داند. نظریه هم گرایی او همان عصیبت است که خاستگاه نژادی و قومی دارد. وی پس از بیان این مطالب، اشاره می کند که اندیشه و باور به مهدی، با نظریه ای که پیش تر ارائه کرده است هم خوانی ندارد. وی هنگامی که از آبادی های نخستین و دولت ها و ملک و خلافت های فراگیر سخن گفته، بدین باور رسیده است که پیدایش دولت ها بر اساس نظریه عصیبت (هم گرایی قومی) است:

۱. هیتمی ابو عباس، *الصواعق المحرقة*، ص ۹۹.
۲. زینی دحلان، *فتوحات الاسلامیه*، ج ۲، ص ۲۱۱.
۳. السید البرزنجی، *الاشاعة لاشراط الساعة*، ص ۲۴۱.
۴. سویدی، *سبائک الذهب*، ص ۷۸.
۵. منصور علی ناصف، *غایة المامول*، ج ۵، ص ۳۶۲.
۶. عسقلانی، *فتح الباری*، ج ۵، ص ۳۸۲.
۷. کنجی الشافعی، *البیان فی اخبار صاحب الزمان*، باب ۱۱، ص ۲۳۲.

سخن و باور درستی که می‌بایست آن را بپذیری، این است که فراخوانی به دین یا حکومتی ممکن نیست، مگر آن که توان و قدرت هم‌گرایی وجود داشته باشد، تا دین یا حکومت بتواند موفق شود و دیگران قادر باشند از آن دفاع کنند، تا خواست خداوند در این باره اجرا شود. پیش‌تر با دلایل قطعی که به تو نشان دادیم، چنین نظریه‌ای را استوار کردیم.<sup>۱</sup>

سپس نظریه خودساخته‌اش را با مسأله مهدویت تطبیق داده و تشکیل حکومت جهانی توسط حضرت مهدی را بعید می‌شمارد:

عصیبت و هم‌گرایی قومی فاطمیون (بلکه تمام قریش) در آخرالزمان و در عصر ظهور در تمام سرزمین‌ها از بین رفته است و امت‌های دیگری وجود دارند که هم‌گرایی آنان، برتر از هم‌گرایی قومی قریش است. حتی اگر بپذیریم در حجاز (مکه، یثرب و مدینه) هنوز مدعیان از قریش باشند... اگر ظهور مهدی درست باشد، دلیلی وجود ندارد که بتوان دعوت کند، مگر به واسطه هم‌گرایی و عصیبت قریش، تا بدین وسیله خداوند دل‌هایشان را به هم پیوند زده، از مهدی پیروی کنند، تا وی بتواند شوکت و قدرت لازم را به دست آورد؛ اما در غیر این صورت، به دلایل درستی که برشمردیم... چنین کاری غیر ممکن است.<sup>۲</sup>

برای این که مقصود از به‌کارگیری نظریه عصیبت برای رد اندیشه مهدویت روشن شود، باید اصل نظریه ابن‌خلدون بیان گردد.

### تعریف عصیبت

عصیبت، رابطه‌ای اجتماعی \_ روحی است که آگاهانه یا نا آگاهانه افراد معینی را به هم ربط می‌دهد و بر قرابت و نزدیکی مادی و معنوی استوار است. این ارتباط،

۱. ابن‌خلدون، تاریخ العبر، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۲۸.

مستمر است و هر گاه خطری پیش آید که افراد را به گونه‌ای شخصی یا گروهی تهدید کند، همبستگی آشکار شود و پیوند محکم‌تر گردد.<sup>۱</sup>

### گسترش محدوده عصبیت

در آغاز هم‌گرایی میان افراد، قبیله‌ای به وجود می‌آید که دارای نسبت واحدی هستند؛ اما گاه این محدوده تنگ، گسترش می‌یابد و نسبت‌هایی همچون دوستی و هم‌پیمانی با قبایل دیگر را در بر می‌گیرد که ارتباط نسبی با هم ندارند؛ بدین سبب، قبایل غالباً برای دفع این خطرها، دست به همبستگی می‌زنند و پیمان دوستی می‌بندند.<sup>۲</sup>

### نقد و بررسی

بی‌شک این نکته روشن است که هم‌گرایی قومی و نژادی، همیشه دارای عملکرد مثبت برای تشکیل حکومت و دوام آن نیست؛ بلکه برخی مواقع برعکس می‌شود؛ یعنی هم‌گرایی قومی، عامل منفی برای انقراض یا پای‌نگرفتن یک حکومت می‌گردد. برای اثبات این مسأله می‌توان به شواهد تاریخی و زندگی‌انبیا پرداخت که از ناحیه ملیت و زندگی قوم خود، به شدت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند.

در این باره، شاهدیم نخستین کسانی که در پی شکست دادن رسول خدا ﷺ بر آمدند، قوم و عموزادگان پیامبر بودند؛ اما پیامبر به وسیله مسلمانانی بر آنان پیروز شد که پیش‌تر هیچ ارتباط و دوستی‌ای با رسول خدا ﷺ نداشتند، حتی در آغاز کار ارتباط سببی نیز وجود نداشت.<sup>۳</sup> همچنین قرآن از دیگر پیامبران سخن می‌گوید که از نزدیکان و خواص خود بدترین انواع اذیت و آزار را دیدند.

۱. محمد عابد الجابری، فکر ابن خلدون العصبیه والدولة، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. شمس‌الدین زین‌العابدین، شبهات مهدوی دوران ما، ص ۴۰.

و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبر او را نافرمانی نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند.<sup>۱</sup> مثلاً دربارهٔ اذیت و آزار رسول خدا توسط عمویش ابولهب، چنین نقل شده است:

طارق بن عبدالله محاربی گوید: روزی در محل کسب و کار بودم که دیدم رسول خدا ﷺ از بازار ذی‌المجاز می‌گذشت و لباسی سرخ بر تن داشت. شنیدم فرمود: «ای مردم! بگوئید: لا اله الا الله، تا رستگار شوید»؛ اما مردی در پی او بود که به طرف رسول خدا سنگ می‌انداخت (در نتیجه پاهای رسول خدا خونین شده بود) و می‌گفت: «ای مردم! از سخن این شخص پیروی نکنید؛ زیرا دروغ گو است». پرسیدم: «وی کیست که با سنگ بدو می‌زند؟» گفتند: «عمویش عبدالعزی ابولهب فرزند عبدالمطلب است».<sup>۲</sup>

امام مهدی نیز هنگام ظهور، از ناحیه نژاد و قومیت خود که قریش و اعراب باشند مورد بی‌مهری قرار گرفته، به همین دلیل، حضرت با آنان به شدت برخورد می‌کند. امام صادق فرموده است:

هر گاه قائم قیام کرد، بین او و اعراب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی‌گیرد.<sup>۳</sup>

باز آن حضرت فرموده است:

حال شما چگونه است زمانی که یاران مهدی، خیمه‌ها را در مسجد کوفه بر پا کنند و سپس مهدی برای مردم، برنامه‌ای نو بر اساس امری جدید ارائه

۱. هود (۱۱): ۵۹-۶۰.

۲. بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۰۲۱.

۳. «إذا خرج القائم لم یکن بینہ و بین العرب و قریش الا السیف، ما یاخذ منها الا السیف»: محمد نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴، ج ۲۱.

دهد و برای اعراب سخت گیر می باشد؟<sup>۱</sup>

بنابراین، نظریه ابن خلدون درباره هم گرایی عصیبت، نظریه جامع و کاملی نیست و نمی توان با آن نظریه، یک قاعده کلی درست کرد که در صورت فقدان آن، شکل گیری انقلاب و نهضت ها، همچنین استواری و تداوم آن ها را از بین ببرد.

### ارتباط نظریه هم گرایی با انکار مهدویت

چنان که پیش تر گفتیم، ابن خلدون با یاری جستن از نظریه ای که برای پیدایش دولت ها گفته است، در پی انکار مهدویت و نقش آن در هم گرایی است و اعتقاد دارد باورداشت مهدویت، با نظریه او که ادعا می کند محکم است و بادلیل و برهان ثابت شده، ناهمخوان است؛ زیرا این نظریه ثابت می کند هیچ جنبش یا انقلابی نمی تواند پیروز شود، مگر این که دارای همان هم گرایی باشد؛ هم گرایی ای که عامل بشری را برای انقلاب فراهم می آورد؛ زیرا مهم ترین عامل در تقویت هم گرایی، حسب و نسب است. پیوند نسبی - چنان که در توضیح نظریه گفتیم - اساس هم گرایی است. از این رو هم گرایی نیازمند منتسبان به حسب و نسب واحدی است که آماده از جان گذشتگی در راهی می باشند که رهبر هم قبیله ای ایشان به آن فرمان می دهد. اگر چنین وضعی را بر مهدی فاطمی تطبیق دهیم، در خواهیم یافت هاشمیان و علویان (یعنی گروه فاطمیان که مهدی می تواند در قیامش به ایشان امید داشته باشد) قدرتشان از بین رفته و گروهشان از هم پاشیده و منقرض شده اند. دیگر کسی از آن ها در یک جا و یک عقیده باقی نمانده اند، مگر اندکی که برای جنبش و انقلاب به کار نمی آیند و نمی توانند گروهی توانمند را تشکیل دهند که مهدی بتواند برای قیام خویش به ایشان امیدوار باشد؛ چه رسد به این که بخواهد دولتی جهانگیر

۱ « کیف انتم لو ضرب اصحاب القائم الفساطیط فی مسجد الکوفه ثم یخرج الیهم المثل المستانف امر جدید علی العرب شدید»: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ج ۱۴۲.

به دور از آفتی همچون ستم و فساد ایجاد کند.<sup>۱</sup>

در پاسخ به اشکال ابن خلدون مطالب را چنین پی می‌گیریم:

ابن خلدون، به میزان تاثیر دعوت دینی برای بنیان دولت‌ها و کارآیی ندای دینی اشاره می‌کند و فصل ویژه‌ای به این امر اختصاص داده و توضیح می‌دهد که عامل دینی، بر توان و قدرت دولت می‌افزاید (همان گونه که هم‌گرایی قومی تاثیرگذار است). در این باره به دستاوردهای فتوحات اسلامی اشاره می‌کند. شمار پیکارگران مسلمان در جنگ یرموک، سی‌هزار و اندی بود، در حالی که جنگ جویان رومی، چهارصد هزار نفر بودند. نیز در جنگ قادسیه، سپاهیان ایرانی حدود صد و پنجاه هزار نفر بودند؛ اما مسلمانان سی هزار نفر بودند که این همه قدرت، به سبب هم‌گرایی دینی حاصل شده بود؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل بود و به نوعی با نظریه هم‌گرایی عصبیت ابن خلدون هماهنگ است و از این طریق به نفی حکومت جهانی مهدویت می‌پردازد، مستقل نبودن دین و آموزه‌های دین، در ایجاد اتحاد و وحدت است. به تعبیر دیگر، از نظر ابن خلدون، هم‌گرایی از منظر عصبیت (هم‌گرایی قومی، نژادی) دارای تاثیر مستقل است؛ ولی دین و آموزه‌های آن نظیر اندیشه مهدویت به طور مستقل نمی‌تواند هم‌گرایی ایجاد کند؛ بلکه در کنار عصبیت دارای تاثیر می‌باشد؛ از این رو ابن خلدون در کتاب خویش فصلی را تحت عنوان «فی ان الدعوة الدینیة من غیر عصبیة لاتتم»<sup>۲</sup>؛ یعنی دعوت دینی بدون رابطه نژاد ممکن نیست، به این امر اختصاص داده، مهدویت را بدون عصبیت در ایجاد وحدت ناتوان قلمداد می‌کند.

پس نتیجه نظریه و دلیل ابن خلدون را چنین می‌توان بیان کرد: هر نهضت و قیام، زمانی به پیروزی و هدف می‌رسد که عوامل بیرونی نظیر عصبیت، دین و هم‌پیمانی

۱. شمس‌الدین زین‌العابدین، *شبهات مهدوی دوران ما*، ص ۲۶.

۲. عبد‌الرحمان ابن خلدون، *مقدمه ابن خلدون*، ص ۱۲۶.

و... آن را پشتیبانی کند. برخی عوامل فوق، نقش استقلالی دارند؛ نظیر عصیبت و بعضی دیگر، نقش تکمیلی دارند، نظیر دین، یعنی عصیبت به تنهایی توان هم‌گرایی میان بنی آدم را دارد؛ اما مقوله دین به تنهایی نمی‌تواند هم‌گرایی ایجاد نماید؛ بلکه در کنار عصیبت دارای تاثیر هم‌گرایی است.

بر این اساس، وقتی نژاد و قومیت امام مهدی علیه السلام که همان قریش، فاطمیون و علویان هستند، دارای جمعیت قابل توجهی نباشند، یکی از عوامل مهم هم‌گرایی در مهدویت از میان رفته است؛ اما عامل دیگر نظیر دین که نقش تبعی و تکمیلی را دارد نمی‌تواند در نهضت و قیام امام مهدی علیه السلام نقش هم‌گرایی را ایفا کند؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که نهضت امام مهدی، برای استیلاء بر جهان و تشکیل حکومت جهانی، غیرممکن و به دور از منطق می‌باشد.

در پاسخ گفته می‌شود: چنان‌که گفته شد، تاریخ صدر اسلام، نمونه بارزی برای رد نظریه عصیبت ابن‌خلدون است؛ زیرا هم‌گرایی‌ای که میان مردم صدر اسلام بود و سبب تقویت و تعمیق اسلام پویا و نوبنیاد گردید، از ناحیه انصار حاصل شد که از قومیت و نژاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نبودند. اسلام، مدت زمان کوتاهی، در گستره و قلمرو وسیعی، گسترش یافت. و قریش و قومیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها حمایت و همراهی نکردند؛ بلکه در مقابل، با کار شکنی و توطئه، در صدد امحای دین اسلام نیز بر آمدند. نیز در فرآیند تاریخ اسلام پیروزی‌های فراوان لشکریان اسلام که با قومیت و موقعیت مختلف جغرافیایی در کنار هم جمع شده بودند، و با جان فشانی تمام به دفاع از اسلام و کیان اسلامی می‌پرداختند و با نیروی قلیل بر عده و عده کثیر پیروز می‌شدند، همه از کارآمدی دین و آموزه‌های دینی در ایجاد هم‌گرایی و اتحاد در جامعه اسلامی حکایت دارد؛ پس نمی‌توان نظریه ابن‌خلدون را درباره هم‌گرایی پذیرفت.



## ۲. جایگاه مهدویت و نقش آن

اندیشه مهدویت، اندیشه‌ای فراگیر و فرا مذهبی است و همه گروه‌های اسلامی بدان اعتقاد قلبی دارند؛ از این رو دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه، انکار امام مهدی و ظهور او را کفر و خروج از دین اسلام تلقی می‌کنند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

هر کس قائم از فرزندان مرا انکار کند، در واقع مرا انکار کرده است.<sup>۱</sup>  
 نیز آن حضرت فرموده است: «هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»<sup>۲</sup>  
 همچنین در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم فرمود: «هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است.»<sup>۳</sup>  
 نیز فرموده است:

هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است.<sup>۴</sup>

روایات ذکر شده و امثال آن‌ها، در منابع روایی و تاریخی شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده است که همه آن‌ها از اهمیت و خطیر بودن اندیشه مهدویت از منظر مسلمانان حکایت دارد.

### متواتر بودن روایات مهدویت

همچنین مهم بودن اندیشه مهدویت نزد اهل سنت و شیعه را می‌توان از ادعای

۱. «من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی»: علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۲۰.  
 ۲. «من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبتہ مات میتة جاهلیة»: همان، ح ۲۱.  
 ۳. «من کذب بالمهدی فقد کفر»: محمد المبار کفوری، *تحفة الاحوذی*، ج ۶، ص ۴۰۲.  
 ۴. «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد»: قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۹۵، باب ۷۸، ج ۱؛ *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۴.

تواتری که از ناحیه علمای اسلامی ابراز شده است، برداشت کرد. این مهم در منابع مهم اسلامی آمده است؛ برای نمونه، حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی در کتاب البیان گفته است:

احادیث پیامبر اکرم درباره حضرت مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است.<sup>۱</sup>

ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح باری که در شرح صحیح بخاری نوشته است، می گوید:

اخبار متواتر رسیده که مهدی از این امت است و عیسی از آسمان می آید و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.<sup>۲</sup>

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید:

اتفاق تمام فرقه های مسلمین است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی شود، مگر با مهدی موعود.<sup>۳</sup>

در اسعاف الراغبین آمده است:

همانا اخبار متواتری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است که مهدی قیام می کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد می کند.<sup>۴</sup>

علامه برزنجی در کتاب الاثساعة لاثسراط الساعه می نویسد:

روایاتی که در آنها از ظهور مهدی نام برده شده، زیاد و در حد تواتر است. بعضی از آنها صحیح و بعضی حسن و بعضی ضعیف می باشد. این نکته و این دسته بیشترین می باشد؛ ولی به دلیل کثرت راویان آنها، دسته

۱. «تواتر الاخبار و استفاضت، بکثرة روايتها عن المصطفى في امر المهدي»: گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۶۷.

۲. «تواتر الاخبار بان المهدي من هذه الامة ان عيسى ينزل و يصلی خلقه»: شهاب الدین ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۲۳.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۶.

۴. محمد صبان، اسعاف الراغبین، باب ۲، ص ۱۳۸.

ضعیف، به وسیله دسته قوی تقویت و موجب قطع می‌باشد. آنچه قطعی است این است که ظهور او مسلم است و از اولاد فاطمه و پرکننده زمین از عدل می‌باشد.<sup>۱</sup>

شیخ علی ناصف می‌نویسد:

مشهور میان علمای گذشته و حال، این است که در آخرالزمان، مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام می‌کند و مسلمانان از او پیروی کرده و دین را یاری می‌کند. دجال ظاهر می‌شود و عیسی نازل می‌گردد و با مهدی یا به تنهایی دجال را می‌کشد. بزرگان صحابه و اکابر محدثان نظیر ابوداؤد ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابو یعلی، بزاز، امام احمد و حاکم، روایات مهمی را نقل کرده‌اند و کسانی چون ابن خلدون که همه روایات مهدی را تضعیف می‌کنند، اشتباه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

اما اثبات تواتر از منظر شیعه دارای وضوح و روشنی خاصی است؛ زیرا جایگاه مهدویت از منظر شیعیان به قدری مهم و قطعی است که حتی برخی افراد مغرض و دارای نیت سوء، خاستگاه مهدویت را مذهب تشیع دانسته و رواج و شیوع مهدویت میان اهل سنت را از سوی علمای شیعه تلقی کرده‌اند؛ از این رو مسلم و متواتر بودن باورداشت مهدویت میان شیعیان به قدری روشن است که نیازمند به ارائه دلیل و برهان نیست.

پاسخ مرکز وهابی «رابطة العالم الاسلامی» به پرسش مهدوی

برای اثبات جایگاه مهدویت و اعتقادی بودن آن از منظر اهل سنت، به پاسخ رابطة العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابی‌ها، به پرسش یک مسلمان سنی از اهالی کنیا درباره «جایگاه مهدی منتظر، زمان ظهور، مکانی که حضرت ظهور می‌فرماید و مسائل دیگر مهدویت» اشاره می‌کنیم:

۱. محمد برزنجی، الاشاعة لاشراط الساعة، ص ۸۷.

۲. علی ناصف، غایة المأمول، ج ۵، ص ۳۸۲.

مهدی، محمد بن عبدالله حسنی، علوی و فاطمی است و او مهدی موعود منتظر است. موقع ظهور وی، آخرالزمان است و ظهورش از نشانه‌های قیامت می‌باشد. از غرب ظاهر می‌شود و در حجاز در مکه مکرمه بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌کنند.

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد ظهور می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان برابر او سر تعظیم فرو خواهند آورد. همگی تسلیم وی خواهند شد؛ یا به میل و دلخواه یا با نبرد. او تمام روی زمین را مالک خواهد شد و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بعد از ظهور او، از آسمان فرود می‌آید و دجال را می‌کشد یا همراه با ظهورش از آسمان فرود می‌آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر در دروازه لد در سرزمین فلسطین، یاری می‌دهد.

مهدی آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آن‌ها خبر داده است و در منابع اهل سنت آمده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه از شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند که از جمله آن‌ها است: عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحه بن عبیدالله، عبد الرحمان بن عوف، عبد الله بن عباس، عمار یاسر، عبد الله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبد الله بن حارث، ابو هریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبد الله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبد الله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و ام سلمه.

این‌ها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی را نقل کرده‌اند. غیر از این‌ها، افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده است که در آن‌ها، به ظهور مهدی تصریح شده است و آن‌ها را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر قرار داد؛ زیرا مساله ظهور مهدی از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی منتظر از شخص رسول اکرم نقل شده و آنچه صحابه پیامبر با اعتماد به گفته رسول خدا بیان کرده‌اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است) در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم اعم از سنن، معجم و مسانید آمده است که از جمله آن‌ها است: سنن ابو داوود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابو عمر الدانی، مسند احمد، ابی یعلی و بزاز، صحیح حاکم، معجم طبرانی، رویانی، دارقطنی و ابو نعیم در کتاب اخبار المهدی و خطیب در تاریخ بغداد و ابن عساکر در تاریخ دمشق و غیر این‌ها.

بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی کتاب‌های ویژه‌ای نوشته‌اند که از آن جمله است: ابو نعیم در کتاب *اخبار المهدی*، ابن حجر هیتمی در کتاب *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، شوکانی در کتاب *التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح*، ادیس عراقی مغربی در کتاب *المهدی*، ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی در کتاب *الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون*. آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان متقدم و متاخر نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث مربوط به مهدی متواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست)؛ از آن جمله است: سخاوی در کتاب *فتح المغیث*، محمد بن احمد سفارینی در کتاب *شرح العقیده*، ابوالحسن آبری در کتاب *مناقب الشافعی*، ابن تیمیه در کتاب *فتاوا*، سیوطی در کتاب *الحاوی*، ادیس عراقی در تالیفی که درباره مهدی دارد، شوکانی در کتاب *التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح*، محمد بن جعفر کنانی در *النظم المتناثر فی الحدیث المتواتر و ابوالعباس بن عبدالمؤمن* در کتاب *الوهم المکنون من کلام ابن خلدون*.

این تنها ابن خلدون است که احادیث مربوط به مهدی را با احادیثی مجعول و

ساختگی و بی اساس که می گوید: «مهدی ای نیست، جز عیسی» مورد ایراد قرار داده است؛ ولی بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام، گفتار او را رد کرده اند؛ به خصوص، ابن عبدالمؤمن که در رد گفتار او کتاب ویژه ای به نام *الوهیم المکنون من کلام ابن خلدون* نوشته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظان، بزرگان و دانشمندان علم حدیث نیز تصریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی شامل احادیث صحیح و حسن است و مجموع آنها متواتر و صحت آنها قطعی است؛ بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسلمان واجب است و از عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعتگذار منکر آن نخواهد بود.<sup>۱</sup>

با توجه با پاسخ مرکز الرابطة العالم الاسلامی دو نکته قابل ذکر است:

۱. با این که وهابیان از تندروترین گروه های اسلامی اهل سنت به شمار می روند، مساله مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله فرجه را پذیرفته و با سایر فرق مسلمانان در این خصوص، مشترکند، نیز به طور جدی از آن دفاع می کنند و آن را از عقاید رسمی خود تلقی می نمایند.

۲. غیر از مطالبی که در صدر پاسخ بیان شده و امام مهدی را فرزند عبدالله خطاب کرده است، بقیه مطالب در بیانیه مرکز الرابطة العالم الاسلامی در راستای اعتقادات گروه های دیگر اسلامی، از جمله مذهب تشیع می باشد.

از مواردی که جدی بودن باورداشت مهدویت میان منظومه معارف اسلامی را نشان می دهد، تلاش و جدیت علمای اسلامی در طول تاریخ اسلامی است که برای حفظ و صیانت اندیشه مهدویت و انتقال آن به نسل های بعد، کتابها و تالیفات مستقلی پدید آورده اند که در ذیل، به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

۱. ر.ک: سید اسد الله هاشمی شهیدی، *ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، ص ۱۲۵.

### تالیفات اندیشوران اهل سنت درباره مهدویت

۱. *البيان عن اخبار صاحب الزمان*، تالیف ابن مغازلی شافعی.
۲. *البيان فی اخبار صاحب الزمان*، تالیف حافظ کنجی شافعی.
۳. *عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر*، تالیف یوسف بن یحیی مقدسی شافعی.
۴. *احوال صاحب الزمان*، تالیف شیخ سعدالدین حموی.
۵. *المهدی*، تالیف ابن قیم جوزی.
۶. *العرف الوردی فی اخبار المهدي*، تالیف حافظ جلال الدین سیوطی.
۷. *القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر*، تالیف ابن حجر مکی.
۸. *البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان*، تالیف علی متقی هندی.
۹. *فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر*، تالیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی.

علاوه بر کتاب‌های نام‌برده، کتاب‌های دیگری نیز در عرصه مهدویت، میان اهل سنت به رشته تحریر در آمده است که در واقع، همه آن‌ها از مهم بودن اندیشه مهدویت از منظر اهل سنت حکایت دارد.

### تالیفات اندیشوران شیعه درباره مهدویت

اهتمام جدی و فوق‌العاده علمای شیعه در عرصه مهدویت و دغدغه شگفت آن‌ها در حفظ کیان اندیشه مهدویت، سبب شده است برخی افراد مخالف چنین ادعا کنند که خاستگاه اندیشه مهدویت، مذهب تشیع می‌باشد. آنان با این نگاه، اتهاماتی را متوجه اندیشه مهدویت کرده و چنین گفته‌اند که در فرهنگ اسلام، آموزه‌ای به نام مهدویت نداریم، بلکه مذهب تشیع باعث شکل‌گیری و تقویت و نفوذ آن میان باورهای اهل سنت شده است. البته این مطالب، همه نشان از جدیت علمای شیعه در راستای تقویت و ترویج مهدویت میان مسلمانان دارد؛ از این رو کتاب‌ها و تالیفات فراوانی از سوی آن‌ها به رشته تحریر در آمده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشارت می‌کنیم:

۱. *اکمال الدین و اتمام النعمة*، تالیف شیخ صدوق.
  ۲. *الغیبة*، تالیف محمد ابن ابراهیم نعمانی.
  ۳. *الوجیزة فی الغیبة*، تالیف سید مرتضی علم الهدی.
  ۴. *کتاب الغیبة*، تالیف شیخ طوسی.
  ۵. *الملاحم والفتن*، تالیف سید بن طاووس.
  ۶. *اعلام الوری*، تالیف امین الاسلام طبری.
  ۷. *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة*، تالیف سید هاشم بحرانی.
  ۸. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، تالیف محمد باقر مجلسی.
  ۹. *اثبات الهداة*، تالیف شیخ حر عاملی.
- و ده‌ها کتاب دیگر که برای اختصار، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم. این‌ها همه از اهتمام علمای اسلامی به مساله مهدویت حکایت دارد.
- شاید بتوان چنین ادعا کرد که بعد از اصول بنیادی اسلام نظیر توحید، نبوت و معاد و بعد از اعتقاد به قرآن در جایگاه کتاب مقدس آسمانی، باور و اعتقادی به وسعت قلمرو مهدویت پیدا نکنیم که مورد قبول همه گروه‌های اسلامی باشد از این رو مهدویت و اعتقاد به آن، سوژه مناسب و خوبی است تا به وسیله آن اتحاد و هم بستگی را در میان باور مندان به مهدویت تقویت گردد، البته نقش علما و اندیشمندان اسلامی در این عرصه و به کارگیری سوژه مهدویت جهت نیل مسلمانان و جوامع اسلامی به سوی اتحاد و هم‌گرایی، نقش بی‌بدیل و انحصاری است.
- بی‌تردید لازمه رسیدن به جامعه متحد و هم‌گرا نیاز به اشاعه و ترویج مهدویت و آموزه‌های آن که به نوعی مورد قبول همه گروه‌های اسلامی است می‌باشد، از این رو در این نوشتار سعی و تلاش شده تا برخی از آموزه‌های مهدویت که آموزه‌های هم‌سو و مورد قبول کلیه گروه‌های اسلامی است برجسته و تبیین شود.



### ۳. مؤلفه‌های هم‌گرایی در باور داشت مهدویت

علاوه بر این که اصل باورداشت مهدویت عاملی قوی برای اتحاد و هم‌گرایی میان باورمندان به مهدوی است، معارف و آموزه‌های مهدویت نیز عامل مهمی در ایجاد اتحاد در میان مسلمانان به شمار می‌آیند.

آموزه‌های هم‌گرایی مهدویت که همه فرقه‌های اسلامی در قبول آن‌ها اتفاق نظر دارند، به صورت اختصار به قرار ذیل می‌باشد:

۱. آخرین خلیفه بودن امام مهدی علیه السلام؛
۲. امام مهدی علیه السلام و شاخصه‌های او؛
۳. امام مهدی علیه السلام و نسب او؛
۴. امام مهدی علیه السلام و حتمیت ظهور او؛
۵. امام مهدی علیه السلام و معجزات او؛
۶. امام مهدی علیه السلام و میراث داری او؛
۷. ممه‌دون و زمینه‌سازان ظهور امام مهدی علیه السلام (سید خراسانی، یمانی و...)؛
۸. امام مهدی علیه السلام و یاران خاص؛
۹. امام مهدی علیه السلام و مبارزه با دجال؛
۱۰. امام مهدی علیه السلام و حکومت جهانی؛
۱۱. امام مهدی علیه السلام و گسترش عدالت جهانی؛
۱۲. حاکمیت و فراگیری جهانی اسلام در دولت مهدوی؛
۱۳. نزول حضرت عیسی بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام؛
۱۴. ظهور امام مهدی علیه السلام و اشراط الساعة؛
۱۵. دولت امام مهدی آخرین دولت اسلامی.

موارد فوق، نمونه‌هایی از مؤلفه‌های هم‌گرایی در عرصه مهدویت می‌باشد. البته علاوه بر آن‌ها موارد دیگری نیز وجود دارند؛ ولی برای اختصار به همان موارد فوق

الذکر اکتفا می‌کنیم. بی‌شک مهدویت و آموزه‌های آن، نقش مهم و خطیری در فراهم کردن بسترهای هم‌گرایی میان مهدی باوران دارند؛ زیرا وقتی یک باور و آموزه‌های آن، مورد قبول و اعتقاد گروه‌های مختلف باشد، به طور قهری گروه‌های مختلف به محوریت آن التزام پیدا کرده و براساس آن، به جهت دهی و سازمان دهی جامعه همت می‌گمارند. هرآنچه آن باور در جامعه پررنگ‌تر بوده و مردم بیشتر به آن اعتقاد بورزند، اتحاد و هم‌گرایی میان آن‌ها پررنگ‌تر خواهد شد.

برای روشن شدن نقش باورهای مشترک مهدویت در فراهم کردن بسترهای اتحاد و هم‌گرایی به تفصیل برخی از آموزه‌های مشترک مهدویت در میان مسلمانان که پیش‌تر، به اختصار بیان شد، خواهیم پرداخت:

### ۱-۳. ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و حتمیت آن

از باورهای هم‌گرا در اندیشه مهدویت که مورد اذعان و باور همه مسلمانان است، مسأله ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و حتمیت آن می‌باشد. روایات فراوانی که در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت و شیعه آمده است از فراگیری اعتقاد به مسأله ظهور میان مسلمانان حکایت دارد.

ترمذی در کتاب سنن از ابوهریره به نقل از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است:

اگر به پایان دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند، آن روز را به حدی طولانی می‌سازد، تا مردی از اهل بیت من که هم‌نام من است، زمام امور را به دست گیرد.<sup>۱</sup>

همچنین در منابع شیعه درباره ظهور و حتمیت آن از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

قیامت برپا نمی‌شود، تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند، و این، هنگامی

۱. «لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي»: ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۳۴۳؛ کتاب الفتن، باب ماجاء فی المهدی، ح ۲۳۳۲.

است که خدای تعالی اذن ظهورش بدهد.<sup>۱</sup>

از امام باقر علیه السلام نیز در این باره چنین نقل شده است:

قیام قائم ما از وعده‌های حتمی خداوند است. هر کس در این که می‌گوییم شک و تردید به خود راه بدهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. نسب و نژاد امام مهدی علیه السلام

از موضوع‌های هم‌گرا در عرصه مهدویت میان اهل سنت و شیعه، نسب و نژاد امام مهدی علیه السلام است. در این باره که امام مهدی از نژاد قریش بوده و از لحاظ نسب اجدادی به حضرت زهراء علیها السلام و حضرت علی علیه السلام می‌رسد، میان همه فرقه‌های اسلامی هماهنگی وجود دارد.

در مسند احمد از قول رسول گرامی اسلام درباره نژاد امام مهدی علیه السلام چنین نقل شده است:

بشارت باد شما را به مهدی! او مردی از قریش و از عترت من است.<sup>۳</sup>

ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند:

مهدی حقیقت دارد و او از فرزندان فاطمه است.<sup>۴</sup>

در کتاب کشف الغمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است:

مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است...<sup>۵</sup>

۱. «لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا و ذلك حين يأذن الله عزوجل له»: علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.

۲. «من المحتوم الذي قيام قائمنا، فمن شك في ما اقول، لقي الله و هو به كافر و له جاحد»: همان، ص ۱۳۹.

۳. «ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی»: احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷.

۴. «المهدی حق و هو من ولد فاطمه»: بخاری، التاريخ الكبير، ج ۳، ص ۳۴۶.

۵. «المهدی من عترتی، من ولد فاطمه...»: علی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۷.

### ۳-۳. امام مهدی علیه السلام و معجزات

از آن جا که رسالت امام مهدی علیه السلام جهانی است و نتیجه بخش رسالت همه انبیا در طول تاریخ بشریت می باشد. آن حضرت، برای پیشبرد اهداف جهانی خود به اعجاز و نیروهای ماورایی نیاز دارد. بر این اساس، استفاده آن بزرگوار، از اعجاز همه انبیا و بهره بردن او از موارث انبیا و همچنین حضور برخی انبیا در هنگام ظهور و مشارکت آن ها در تحقق حکومت جهانی، قابل توجه است. صدور اعجاز از ناحیه امام مهدی که یک موضوع مشترک میان اهل سنت و شیعه بوده و در منابع هر دو گروه مهم اسلامی آمده، سوژه مناسبی برای زمینه سازی اتحاد در میان مسلمانان به شمار می آید.

در منابع اهل سنت از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

مهدی در حالی قیام می کند که ابری بالای سرش حرکت کرده و در آن منادی ای صدا می زند: «این، مهدی است، خلیفه خدا است؛ از او پیروی کنید».<sup>۱</sup>

در منابع شیعه از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اعجاز امام مهدی علیه السلام آمده است:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را قدری طولانی می کند که مردی از اهل بیت من، جهان را مالک می شود و معجزات به دست او آشکار می گردد.<sup>۲</sup>

### ۳-۴. نشانه های ظهور

رخداد ظهور به سبب مهم بودن، دارای نشانه هایی است که قبل از وقوع، آن نشانه ها یکی یکی تحقق پیدا می کنند. موضوع نشانمند بودن ظهور، نه تنها مورد قبول همه

۱. «یخرج المهدي على راسه غمامة، فيها مناد ينادي: هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه»؛ ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۲، ص ۶۷۹.

۲. «لولم يبق من الدنيا الا يوم واحد لظول الله ذلك اليوم حتى يملك رجل من اهل بيتي، تجرى الملاحم على يديه...»؛ السيد مصطفی الكاظمی، *بشارة الاسلام*، ص ۵۹.

مهدی باوران است، بلکه مورد قبول موعود باوران (غیر مسلمانان) نیز می‌باشد؛ یعنی هر آیین و دینی که به آمدن منجی اعتقاد دارد، برای ظهور او یک‌سری علایم و نشانه‌هایی را بر می‌شمارد. مسلمانان، یعنی همه گروه‌های اسلامی که به آمدن امام مهدی اعتقاد دارند برای ظهور او یک‌سری علایم و نشانه‌ها را قرار می‌دهند که مورد اتفاق و هماهنگی همه گروه‌ها می‌باشد. بر این اساس، می‌توان در این باره زمینه‌های هم‌گرایی را مطرح کرد و موضوع فوق را بستر اتحاد و هماهنگی میان مسلمانان قرار داد.

در **مسند طیالسی** از قول رسول خدا ﷺ آمده است:

به انجام کارها پردازید، قبل از آن که شش نشانه (ظهور) رخ دهد: طلوع خورشید از ناحیه مغرب، دجال، دود، دابة الارض و...<sup>۱</sup>

در منابع شیعه از امیرمؤمنان چنین آمده است:

از نشانه‌هایی که بدون تردید و به طور حتم پیش از قائم ﷺ واقع خواهد شد، چنین است: قیام سفیانی، فرو رفتن زمین در بیداء، کشته شدن نفس زکیه، ندای آسمان و قیام یمانی.<sup>۲</sup>

### ۵-۳. زمینه سازان ظهور (ممه‌دون)

وجود ممه‌دون و زمینه‌سازان ظهور قبل از تحقق آن، مورد قبول اهل سنت و شیعه است. به بیان دیگر، در باورداشت همه گروه‌های اسلامی ظهور، امری دفعی و تصادفی تلقی نمی‌شود؛ بلکه واقعه‌ای است که با بسترسازی و تمهیدات که توسط ممه‌دون شکل می‌گیرد و به صورت تدریجی رخ می‌نماید. بر این اساس، قیام‌های قبل از ظهور که به قیام امام مهدی منتهی می‌شود و در منابع اهل سنت و شیعه آمده،

۱. «بادروا بالاعمال ستاً: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الدخان و دابة الارض...»: سلیمان طیالسی، **مسند**، ص ۲۳۲، ح ۲۵۴۹.

۲. شیخ مفید، **ارشاد**، ص ۳۳۶.

قابل توجیه است. در تفسیر مجمع البیان آمده است که رسول خدا بعد از تلاوت آیه ۱۸۱ سوره اعراف فرموده است:<sup>۱</sup>

همانا از امت من، گروهی پیوسته بر محور حق دور می‌زنند، تا عیسی از آسمان نازل شود.<sup>۲</sup>

حضرت امام محمد باقر می‌فرماید:

گروهی از مشرق برای دست‌یابی به حق قیام می‌کنند؛ ولی به آن نمی‌رسند. بار دیگر قیام خود را آغاز می‌کنند، باز به آن نمی‌رسند. در این صورت با اسلحه به قیام خود ادامه داده و به هدف و خواسته خود می‌رسند؛ ولی این مقدار را قبول نکرده، به قیام ادامه می‌دهند، تا این که نهضت خود را به صاحبشان [حضرت مهدی] می‌رسانند. کشته‌هایشان، شهید حساب می‌شوند؛ اگر آن زمان را درک کنم، خود را وقف صاحب آن قیام [امام مهدی] می‌کنم.<sup>۳</sup>

در سنن الدانی از جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند:

گروهی از امت من، پیوسته در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این که مهدی ظهور کند.<sup>۴</sup>

۱. «ومن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون؛ واز میان کسانی که آفریدیم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند» اعراف (۷): ۱۸۱.

۲. «ان من امتی قوما علی الحق حتی ینزل عیسی بن مریم»: طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۰۳.

۳. «کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق، یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا راوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم، فیعطون ما سالوه فلا یقبلونه حتی یقوموا، ولا یدفعونها الا الی صاحبکم، قتلاهم شهداء اما انی لو ادركت ذلك لا ستبقيت نفسی لصاحب هذا الامر»: محمد نعمانی، کتاب الغیبه، ج ۱۴، ص ۲۷۳.

۴. «لاتزال طائفة من امتی تقاتل عن الحق حتی... ینزل المهدی»: عثمان الدانی، سنن الوارده فی الفتن، ص ۱۴۳.

نیز آن حضرت فرموده است:

گروهی که پرچم‌های سیاه دارند از طرف مشرق قیام می‌کنند؛ دو یا سه بار در راه حق مبارزه می‌کنند، تا این که به پیروزی می‌رسند، بعد از پیروزی، باز به مبارزه ادامه می‌دهند، تا این که پرچم را به دست مردی از اهل بیت من می‌رسانند. پس ایشان جهان را پر از عدل می‌کنند؛ چنان که پر از ظلم شده بود.<sup>۱</sup>

### نتیجه

مقوله اتحاد و هم‌گرایی بر اساس داده‌های عقلی، فطری، انسانی و دینی توجیه پذیر است؛ یعنی عقل، فطرت، انسانیت و دین، ضرورت اتحاد و هم‌گرایی را رصد کرده و به اثبات آن همت می‌گمارد. بر این اساس، نمی‌توان جامعه بشری را منهای اتحاد و اتحاد را در بستری جز جامعه تصور کرد؛ پس رابطه میان جامعه و مقوله اتحاد، رابطه علی و معلولی می‌باشد و رابطه علی و معلولی که همان رابطه تکوینی است، بر اساس واقعیت خارجی ترسیم می‌شود، نه بر محور رابطه اعتباری و قراردادی. از این رهگذر، به سبب اهمیت و ضرورت هم‌گرایی و تاثیر گذاری آن در پیشرفت و ترقی بشر و جوامع بشری از حیث مادی و معنوی، صاحبان مکاتب الهی و توحیدی، به مسأله هم‌گرایی و تحقق آن بین انسان‌ها - به ویژه در میان انسان‌های باورمند به ادیان الهی - اهتمام جدی داشته و برای اجرای آن، از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرده‌اند.

در این میان، نقش آخرین دین الهی یعنی اسلام که جامع‌ترین و کامل‌ترین ادیان آسمانی است، نقش انحصاری و بی‌بدیل است. در جای جای متون اسلامی - اعم از

۱. «یاتی قوم من هاهنا، من نحو المشرق، اصحاب رایات سود، یسالون الحق فلا یعطونه، مرتین او ثلاثا فیکاتلون فینصرون، فیعطون ماسالوا فلا یقبلوها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی، فیملها عدلا کما ملووها ظلما...»: احمد ابن المنادی، الملاحم والفتن، ص ۸۴

آموزه‌های فردی و اجتماعی - رد پای اتحاد و هم‌گرایی نمایان است. اسلام، نه تنها به باورمندان اسلامی، توصیه به اتحاد و هم‌دلی می‌کند:

و همگی به ریسمان خدا چنگک زنید و پراکنده نشوید.<sup>۱</sup>

در حقیقت، این امت شما است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا دارید.<sup>۲</sup>

به ادیان دیگر نظیر مسیحیت و یهودیت نیز اتحاد با مسلمانان را توصیه کرده و آنان را به اتحاد بر محورهای اصلی‌ترین باورهای دینی، یعنی خداشناسی و یکتا پرستی، فرا می‌خواند.

بگو: «ای اهل کتاب! بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...»<sup>۳</sup>

در اسلام و فرهنگ اسلامی، وجود آموزه‌های هم‌گرا و وحدت‌آفرین که تعداد آن، بسیار است، رسالت باورمندان به اسلام - به ویژه عالمان و اندیشوران اسلامی - را برای تحقق اتحاد و همدلی میان مسلمانان و جوامع اسلامی دو چندان می‌کند.

بر این اساس، می‌طلبند اندیشمندان و فرهیختگان دینی برای فرصت‌سازی در راستای فرهنگ‌سازی هم‌گرایی، میان مسلمانان، از آموزه‌های هم‌گرایی (آموزه‌های اصلی نظیر خدا، قرآن، رسالت، مهدویت، و... و آموزه‌های فرعی نظیر، نماز، حج،...) برای نیل به جامعه مطلوب اسلامی بهره کافی ببرند.

میان آموزه‌های هم‌گرا، نقش آموزه‌های مهدویت، بی‌بدیل و ویژه است؛ زیرا

۱. «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» آل عمران (۳): ۱۰۳.

۲. «ان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاتقون» مؤمنون (۲۳): ۵۲.

۳. «قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا تعبدوا الا الله و لا تشرك به شيئا...».



باور داشت مهدویت، یک باور فرامذهبی بوده، مورد قبول همه گروه‌های اسلامی می‌باشد؛ از این رو می‌توان با دست‌مایه قرار دادن مهدویت، و با ترویج و اشاعه آن میان مسلمانان، اتحاد و همدلی را میان جوامع اسلامی اجرائی و عملیاتی کرد که ثمره آن، سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده آل اسلامی است که همان جامعه مهدوی می‌باشد.

انتظارات

هم‌گرایی مسلمانان در باورداشت مهدویت / حسین الهی نژاد

